

## نقدی بر تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی

منصور پهلوان\*

سیداحمد میرهاشمی اسفهلان\*\*

### چکیده

کتاب تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی برای دانشجویان رشته‌های علوم اقتصادی و در راستای پیوند قرآن با علوم انسانی در عرصه مسائل اقتصادی نگاشته شده است. تأکید بر شیوه‌های معتبر تفسیر قرآن با موضوع‌شناسی علوم اقتصادی از جمله اهداف مؤلف این کتاب است. از سویی، توجه هم‌زمان به گزاره‌های اقتصادی قرآن و مسائل علم اقتصاد، از جمله اقتصاد خرد و کلان، مالکیت خصوصی و دولتی، فعالیت‌های اقتصادی در زمینه تولید و توزیع و خدمات، برداشت‌های ساده و درعین‌حال کارآمدی از آیات اقتصادی به دست خواهد داد که مخاطب باتوجه به عنوان کتاب در پی آن‌هاست. با وجود چنین تلاش‌های رو به رشدی که این اثر در ادبیات تفسیر اقتصادی دارد، حالت گزارش‌گونه متن و حجم بالای آن فرصت بحث در بخش‌های مهم اقتصادی، از جمله مسائل مالی روز و بحث ربا و مسائل متعدد بانکی و پولی، را گرفته است و در برخی موارد نیز دلالت‌های تفسیری کافی و مستدل نیست.

**کلیدواژه‌ها:** آیات اقتصادی، اقتصاد اسلامی، تفسیر موضوعی، نظام اقتصادی قرآن.

### ۱. مقدمه

باتوجه به معارف والای قرآن و سنت و امکان‌های بهره‌گیری از آن در زمینه‌های مختلف زندگی بشر، اقتصاد اسلامی به‌منزله شاخه‌ای از علم اقتصاد، در کنار سایر دیدگاه‌های این

\* استاد گروه معارف دانشگاه تهران، pahlevan@ut.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی پژوهشکده نهج‌البلاغه، مدرس دروس معارف (نویسنده مسئول)  
mirahmad14@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۳

رشته، مورد توجه جوامع مسلمان قرار گرفته است. اقتصاد اسلامی در هر سطحی که ادعا شود (علم، مکتب، و یا نظام اقتصادی) نباید به گزاره‌های اقتصادی یا احکام مطرح در قرآن و روایات، از جمله احکام معاملات و ارث، محدود شود. برای این کار لازم است ضمن رعایت اصول تفسیر و سیاق آیات، عبارات ارزشی و یا وصفی به شکل کاربردی بررسی شود. تعریف جدیدی از علم اقتصاد صورت گیرد و الگوی نظام اقتصادی اسلام، در صورت دستیابی، ترسیم شود. کارآیی این نظام زمانی قابل درک خواهد بود که مفاهیم و قوانین اقتصاد متعارف بر آن تحمیل نشود و التزام جامعه اسلامی با این نظام هم‌گام با الزام قوانین مناسب صورت گیرد.

پدیده‌های اجتماعی - اقتصادی بر اساس ساخت نهادی عینیت و واقعیت پیدا می‌کند و هر جامعه‌ای که ساخت نهادی خاص خود را دارد، نمی‌توان نظریات علمی برخاسته از ساخت نهادی جامعه‌ای را به جامعه دیگر پیوند زد، هر چند در برخی نهادها مثل پول، اصل مبادله و ... مشترک باشند (آقائظری ۱۳۹۴).

## ۲. معرفی کلی اثر

این کتاب بعد از مقدمه و پیش‌گفتار وارد مفاهیم و کلیات حوزه تفسیر می‌شود و آیات اقتصادی قرآن و ضرورت تبیین آن‌ها را خاطر نشان می‌سازد. در فصل اول، با عنوان ویژگی‌های نظام اقتصادی قرآن، گستره آیات اقتصادی و دیدگاه‌های مختلف در خصوص مسائل علمی، به ویژه مسائل اقتصادی در قرآن، بررسی می‌شود. در فصل دوم، که با عنوان مبانی بینشی و ارزشی اقتصاد از دیدگاه قرآن تدوین شده است، محور بحث ارزش‌های قرآنی در رفتارها و اخلاق اقتصادی و نیز انواع مالکیت‌ها از نظر قرآن است. فصل سوم و چهارم مکمل یکدیگرند و با عناوین «اهداف اقتصاد از دیدگاه قرآن» و «نظام اقتصادی از دیدگاه قرآن» به عدالت و توازن و رشد اقتصادی و نیز مباحث تولید و توزیع و مصرف از دیدگاه قرآن می‌پردازند و در آخرین فصل، ناهنجاری‌های اقتصادی، از جمله ربا و کم‌فروشی و رشوه، بررسی شده است.

## ۳. تفسیر موضوعی

از آن‌جاکه محوریت بحث نویسنده تفسیر موضوعی است، بهتر است برای بررسی بهتر محتوای این اثر در ابتدا تعریف و اهداف تفسیر موضوعی با هم بررسی شود:

در تعریف تفسیر موضوعی گفته شده است: جمع‌آوری و جمع‌بندی آیات مختلفی که درباره یک موضوع در سرتاسر قرآن مجید در مناسبت‌های مختلف آمده است، به‌منظور استخراج نظر قرآن درباره ماهیت موضوع و ابعاد گوناگون آن (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۱).

در تفسیر موضوعی کم‌تر بر آیه‌ای خاص تأکید می‌شود. اگر به یک آیه بیش‌تر استشهاد می‌شود، هدف کشف معانی مفرد و شناخت مراد هر یک از آیات نیست، بلکه هدف تبیین موضوع و عنوان کلی با توجه به نظر قرآن است. از این‌رو، در تفسیر موضوعی، آیات مرتبط با هم در کنار یک‌دیگر مطالعه و بررسی می‌شوند و بیش از آن‌که بخواهد به فهم معانی واژه و جمله و آیه پردازد، تئوری و طرح و نظریه خاصی را تعقیب می‌کند و در پی پاسخ به سؤالی خاص و دست‌یابی به فهم دیدگاه قرآن درباره آن موضوع است. با کمک تفسیر موضوعی می‌توان معارف قرآن را به شیوه‌ای سامان‌مند و سازگار با نیازها و موضوعات بی‌شمار هر عصری ارائه کرد و پاسخ‌ها و راه‌کارهای عملی از قرآن دریافت کرد (خامه‌گر ۱۳۸۹: ۲۳۷).

در مقام مقایسه بین تفسیر تطبیقی و تفسیر ترتیبی می‌توان گفت که در تفسیر ترتیبی با توجه به گستره وسیع آیات و ابعاد مختلف آن‌ها، مباحث متنوع و دامنه‌داری مطرح می‌شود که سراسر قرآن را پوشش می‌دهد؛ برخلاف تفسیر موضوعی که به بررسی یک یا چند موضوع مرتبط با هم به‌منظور دست‌یابی به نظر قرآن درباره آن می‌پردازد. با وجود مزیت یادشده، تفسیر موضوعی باید ملازم با تفسیر ترتیبی صورت پذیرد.

از لحاظ ارجحیت علمی، تفسیر ترتیبی مقدم بر تفسیر موضوعی است و محقق در نخستین گام باید از روش‌های تفسیر ترتیبی آگاه باشد تا بتواند تفسیری درست در خصوص موضوعات مختلف چون موضوعات اعتقادی و اجتماعی ارائه کند. در سیر آموزش قرآنی، تفسیر موضوعی بعد از تفسیر ترتیبی است (جوادی آملی ۱۳۷۱: ۵۹).

با وجود ذکر مطالب متنوع در خصوص مسائل اقتصادی قرآن، جا دارد که نویسندگان به تبیین دقیق تعریف اقتصاد از منظر علم اقتصاد و مفاهیم دینی پردازد.

#### ۴. علم اقتصاد و اقتصاد اسلامی

تعاریف اقتصاد از لحاظ اندیشمندان اسلامی با تعریف رایج علم اقتصاد در جامعه غرب متفاوت است. با این حال، با بررسی هر یک نقاط قوت و ضعف آن‌ها و نیز میزان تطبیق آن‌ها با آیات اقتصادی قرآن به دست می‌آید:

الف) علم اقتصاد بررسی رفتار انسانی در زمینه تولید و توزیع و مصرف کالاها و خدمات است؛

باتوجه به این که این تعریف پدیده‌های اقتصادی را در مورد رفتارها و روابط انسانی تعریف می‌کند، تعریف مناسبی است، ولی به نظر می‌رسد که در سطح اقتصاد خرد کارآیی داشته باشد، ولی مسائل اقتصاد کلان را پوشش ندهد، چراکه در اقتصاد کلان فقط رفتار شخص و خانوارها و گروه‌های اجتماعی تعیین‌کننده نهایی در زمینه تولید و توزیع و مصرف کالاها نیست. عوامل مهم دیگر، از جمله سیاست‌های مختلف اقتصادی و پولی و مالی و نیز میزان حمایت سایر نهادهای اجرایی و نظارتی در این امر دخیل است. علم اقتصاد هم‌زمان با سه مؤلفه در ارتباط است:

۱. فعالیت‌های اقتصادی در راستای تولید، توزیع، و مصرف؛
۲. پدیده‌های اقتصادی اثرگذار و اثرپذیر در این فعالیت‌ها از جمله رکود، تورم، توسعه، و مسائل مالی و پولی؛
۳. رفتارهای فردی (فرهنگ باورهای دینی یا اخلاقی)، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، و بازار و شرایط منطقه‌ای.

علم اقتصاد از این دیدگاه عبارت است از مطالعه رفتارهای اثرگذار در فعالیت‌های اقتصادی و نیز ارتباط دوسویه آن‌ها با پدیده‌های مختلف اقتصادی؛  
ب) علم اقتصاد، علم تخصیص بهینه منابع کم‌یاب است.

کم‌یابی مهم‌ترین موضوع علم اقتصاد است. شاید بی‌ربط نباشد که گفته شود اگر کم‌یابی نبود، علم اقتصاد هم شکل نمی‌گرفت. کم‌یابی به این معناست که امکانات و منابع محدود و خواسته‌هایمان نامحدود است. مثلاً در سطح فردی، درآمد ما محدود است، ولی کالاها و خدمات زیادی را می‌خواهیم خریداری کنیم. در سطح کلان نیز به همین وجه بودجه کشور محدود است، ولی نیازها و خواسته‌های زیادی است که در جامعه وجود دارد. وقت ما کم‌یاب است. نیروی انسانی متخصص، زمین‌های حاصل‌خیز، آب‌وهوای سالم همه منابع کم‌یاب‌اند.

با این حال در اقتصاد اسلامی نگاه دیگری به مسئله کم‌یابی وجود دارد. از جمله محمدباقر صدر بر آن است که دشواری اصلی اقتصاد سرمایه‌داری کم‌یابی منابع طبیعی در برابر مقتضیات و نیازهای مدنیت جدید و در اقتصاد سوسیالیستی تضاد میان روش تولید و روابط توزیع است. از دیدگاه شهید صدر، مخالفت اسلام در این جا با سرمایه‌داری

از آن روست که معتقد است در طبیعت، منابع و ثروت‌های فراوانی برای بشریت فراهم است و مخالفتش با سوسیالیسم از آن روست که مشکل را نه در شیوه‌های تولید، بلکه در خود انسان می‌بیند (مرجع اقتصاد اسلامی ۱۳۸۶: ۲).

بر این اساس، واضح است که کم‌یابی نتیجه کمبود در خلقت نیست. از نظر قرآن منابع مختلف به صورت معین و با اندازه خاص در طبیعت قرار داده شده است؛ چنان‌که آیات «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر: ۴۹) «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهَ لِقَادِرُونَ» (مؤمنون: ۱۸) (و ما برای شما آب را به قدر معین از آسمان نازل کرده و در زمین نگاهش داشتیم، و بر نابود کردن آن نیز قادریم) به این اصل اشاره می‌کنند.

اگر منابع اقتصادی از جمله زمین و سرمایه و نیروی کار متناسب با هم در جوامع به کار گرفته شود، مشکلاتی هم‌چون کم‌یابی یا معطلی نیروی کار یا عناصر دیگر نخواهد بود. بهره‌گیری از منابع و امکانات خدادادی به مقدار نیاز هریک از افراد و به شیوه مطلوب نارسایی‌های اقتصادی در جوامع انسانی را کم‌رنگ‌تر خواهد ساخت. برپایه همین اصل (تخصیص بهینه منابع یا رابطه منطقی سرمایه، نیروی انسانی، امکانات)، نگرش اقتصاد دینی در خصوص کمبود منابع متفاوت‌تر از دیدگاه‌های رایج خواهد بود.

باین حال، نباید غافل شد که تخصیص منابع کم‌یاب هنر است. در معنای واژه اقتصاد نیز این ضرورت به چشم می‌خورد که اگر واژه اقتصاد در اصطلاح مرسوم غربی به معنای تدبیر منزل است، در فرهنگ‌های معتبر زبان عربی و فارسی عموماً این اصطلاح با عباراتی هم‌چون «رعایت اعتدال»، «اجتناب از افراط و تفریط»، «میانروی در هر کار»، و «حد وسط بین اسراف و اقتار» تعریف می‌شود. در آیات مشابه مورد بحث، لزوم اعتدال و میانروی استنباط می‌شود. «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ» (حجر: ۲۱). در خصوص این آیه، دو معنی قابل توجه را می‌توان در نظر گرفت:

الف) هر چیزی قبل از نزولش به این عالم و استقرارش در دنیا، خزینه‌هایی در نزد خدای متعال دارد که در آنجا محدود به حدی نیست، اما زمانی که جامعه وجود پوشید محدود و مقدر می‌گردد (طباطبایی ۱۳۶۳: ج ۱۲، ۱۴۰)؛

ب) یعنی تک‌تک اشیا خزاینی دارند، نه این‌که مجموع اشیا خزاینی داشته باشند، اما در بهره‌گیری از آن‌ها باید تناسب نیازهای بالفعل محدود با منابع طبیعی محدود (یعنی

در دسترس) و نیازهای بالقوه نامحدود با منابع طبیعی نامحدود (کل منابع) را لحاظ کرد (جوادی آملی ۱۳۸۹).

هدف از علم یا نظام اقتصاد دینی نیز این است که امکانات محدود یک جامعه مانند نیروی انسانی، سرمایه، و منابع مالی به گونه‌ای تخصیص یابد تا به مطلوب‌ترین شکل، نیازهای کل جامعه، مثل اشتغال و ثبات قیمت‌ها و رشد تولید، را برآورده سازد. البته، در بسیاری از تحقیقات و مطالعات اقتصادی عامل مهم دیگر مورد توجه واقع نمی‌شود. ممکن است یک کالایی در حال حاضر کم‌یاب نباشد، ولی در زمان آتی کم‌یاب شود و یا سیاستی در حال حاضر اقتصادی باشد و در زمان دیگر، کاملاً غیراقتصادی. علاوه بر این، سیاست‌های اقتصادی در هر جامعه‌ای باید این عناصر را داشته باشد: تصمیم‌گیری درست، تخصیص بهینه منابع، مدیریت در اجرا.

تلاش مدیران در نظام‌های اقتصادی مختلف، به ویژه اقتصاد اسلامی، باید در جهت رعایت این اصول باشد تا از هرگونه هدررفتن منابع و تبعات آن مصون ماند. در متون روایی نیز به این امر اشاره شده است:

«أَلَا وَ إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَنْذِيرٌ وَ إِسْرَافٌ» (نهج البلاغه خطبه ۱۲۶). صرف مال و امکانات در غیر موردی که شایسته آن است اسراف و تبذیر است. منظور از مواردی که شایسته نیست این که منابع به امور غیر لازم اختصاص یابند و یا به صورت نادرست به افراد داده شوند. پس، می‌توان گفت که اقتصاد یعنی استفاده بهینه از مال، امکانات، منابع طبیعی، و منابع انسانی متخصص. از این رو علم اقتصاد تخصیص بهینه منابع مالی، طبیعی، و انسانی در فعالیت‌های اقتصادی خواهد بود.

چنان‌که دیده می‌شود در این تعریف، کمبود یا وفور منابع به منزله اصل ثابت و لاینفک در نظر گرفته نمی‌شود، هرچند ممکن است به صورت متغیر مستقل یا وابسته در زمان‌ها و مکان‌های مختلف ارزیابی شود.

اولین گام در جهت شناخت اقتصاد ارزشی مبتنی بر آیات و روایات بررسی عبارات یا آیات قرآنی مرتبط با بحث است. عمده تلاش محققان حوزه اقتصاد اسلامی معطوف به مطالعه درونی این گزاره‌ها بوده است.

این عبارات حاوی مفاهیم و اصول مهمی در تأمین مصالح فردی و اجتماعی است. با این حال، آیات اقتصادی قرآن را نمی‌توان به تنهایی و فارغ از سیاق آیات نزدیک و دور آن‌ها و نیز فارغ از مضمون و غرض کلی سوره تصویر کرد، چراکه این شیوه ما را از بسیاری از مفاهیم اقتصادی قرآن دور می‌کند.

## ۵. گفتار دوم: نقد کتاب

### ۱.۵ ویژگی‌های تمایزبخش و مثبت کتاب

سرفصل‌های مصوب کتاب متناسب با تفسیر موضوعی و براساس آیات اقتصادی قرآن است. تلاش صورت گرفته در این اثر در جهت برآوردن اهداف تفسیر موضوعی با محوریت آیات اقتصادی است و آوردن نتایج فصل، پرسش‌های پایانی و نیز منابعی برای مطالعه بیشتر، به درک بهتر مطالب کمک خواهد کرد که در مقایسه با برخی دیگر از کتب، تفسیر موضوعی قرآن کریم می‌تواند از جمله نکات مثبت این کتاب قلمداد شود.

در تعریف گزاره‌ها یا عبارات اقتصادی قرآن گفته شده است که نصوص اقتصادی به آن دسته از آیات و روایات اطلاق می‌شود که درباره رفتارها و روابط اقتصادی مردم با یکدیگر و نیز با دولت در سه حوزه تولید، توزیع، و مصرف و یا مبانی بینشی و ارزشی رفتارها و روابط مزبور است (میرمعزی ۱۳۸۳).

سه حوزه پیش گفته شده (تولید، توزیع، و مصرف) در فصل چهارم کتاب با عنوان «نظام اقتصادی از دیدگاه قرآن» به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است (خادم‌علیزاده ۱۳۹۲: ۱۵۳).

گزاره‌های موجود در مکتب اقتصادی اسلام گاهی گزاره‌های کلی هم‌چون عدالت توزیعی را بیان می‌کنند و گاهی نیز به مسائل موردی اشاره می‌کنند؛ مثل سوره مطففین که به نهی از کم‌فروشی می‌پردازد. باین حال، می‌شود حرمت انواع کم‌فروشی در تولید و ارائه کالا یا خدمات را از آن فهمید. ذکر آیاتی با مفهوم سلبی در خصوص خدمات، تولید، یا مصرف مضر برای نوع بشر و جامعه مبین اهداف اقتصاد اسلامی است که نویسنده تحت عنوان محدودیت‌های تولید یا محدودیت‌های مصرف به آن‌ها اشاره کرده است.

### ۲.۵ رویکرد انتقادی و کاستی‌های محتوایی کتاب

جلد کتاب گویای نیاز مبرم نسل دانشگاهی به تفسیر موضوعی در اقتصاد امروز، به‌ویژه چالش‌های عمده بانکداری بدون ربا، است. درعین حال، نویسنده فرصت کمی برای بحث مطالب مرتبط با آن گذاشته است.

ادیان گوناگون، به‌ویژه دین اسلام، برای رعایت عدالت اقتصادی (اعم از عدالت درآمدی، تولیدی، یا توزیعی)، به حذف عوامل منفی در سلامت اقتصادی جامعه از قبیل ربا و معاملات ناسالم اهتمام ورزیده‌اند. گزاره‌های مختلفی در قرآن کریم را می‌توان یافت که درعین کوتاهی به این مسئله پرداخته است.

«یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض منکم و لا تقتلوا انفسکم» (نساء: ۲۹). در این آیه، نهی از معاملات ناسالم درکنار نهی از قتل نفس آمده است و به نقش اکل مال باطل در نابه‌سامانی‌های اجتماعی هم‌ردیف قتل اشاره شده است. باوجوداین، تشخیص شبهات ربا در انواع معاملات بانکی و غیر آن برای بیش‌تر افرادی که دغدغه معاملات منطبق بر شریعت را دارند کاری دشوار است. این مسئله زمانی اهمیت بیش‌تری می‌یابد که برخی مجریان و کارمندان و برخی بانک‌ها و اغلب مراجعان آن‌ها با مقررات و قوانین بانکی و احکام عقود مصوب آشنا نیستند و بسیاری از وام‌گیرندگان عقود را که روی قراردادهای بانکی درج شده است قصد نمی‌کنند، درحالی‌که اگر طرفین معامله هیچ آگاهی و قصدی از ماهیت عقد نداشته باشند، آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد، قرضی است که با زیاده هم‌راه بوده است و بی‌تردید حرام است.

هدف از تفسیر موضوعی درکنار به‌دست‌آوردن نظر قرآن درخصوص یک موضوع پاسخ‌گویی به پرسش‌های جدید و رفع ابهامات و به‌دست‌آوردن اسرار و پیام‌های تازه آیات و عبارات قرآنی است. باین‌حال، این نوشتار درخصوص بخش اول از اهداف تفاسیر موضوعی موفق‌تر بوده است، ولی در بخش رفع ابهامات و پیام‌های تازه و پاسخ‌گویی به پرسش‌های جدید، به‌ویژه دانشجویان رشته‌های اقتصاد، موفق به‌نظر نمی‌رسد.

روش بهره‌گرفته‌شده در این کتاب، همانند بیش‌تر کتب تفسیر موضوعی، بر این اساس است که پس از تعیین یک موضوع، به بررسی و جمع‌آوری آیات قرآن درباره آن می‌پردازد و سپس با سامان‌دهی آن‌ها، براساس چینش منطقی، دیدگاه قرآن را گزارش می‌کند. باین‌حال، این گزارش‌دهی از پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات متعدد درخصوص امکان‌سنجی کارآیی نظام اقتصادی اسلام و نیز روش‌شناختی این امر ناتوان است. برای مثال، به‌کمک رویکرد رایج تفسیر موضوعی می‌توان به دیدگاه قرآن درباره احکام و اهمیت زکات دست یافت، اما این رویکرد پاسخ روشنی برای روش نهادینه‌کردن فرهنگ زکات در جامعه ندارد.

در نظام اقتصادی اسلام، همانند هر نظام دیگر، به‌ناچار باید این پیش‌فرض اساسی را داشت که چهارچوب نظام اقتصادی همان چیزی است که جامعه به آن ملتزم می‌شود و در زندگی خود به مقتضای آن عمل می‌کند (میرمعزی ۱۳۸۵). ازسویی میزان پذیرش جامعه در فهم بیش‌تر مبانی اقتصاد اسلامی تأثیر دارد. اصول اولیه و اخلاقی مطرح‌شده در گزاره‌های قرآنی و روایات، مثل امانت و صداقت و رعایت انصاف در معاملات، راه را برای درک بهتر اهداف متعالی اسلام و نیز کشف روابط نظام‌مند این گزاره‌ها فراهم می‌سازد:



اسلام بسیاری از معاملات و روابط اقتصادی بین افراد را به عقل انسان وا گذاشته تا در آنها تأمل و آنها را براساس اصول منتشره در آیات و روایات تعیین کند، و بدین ترتیب، اسلام بخش‌های بسیاری را رها کرده است تا رسیدن به تصمیم درباره آنها براساس ارزیابی و فهم مردم و نیازها و سطح تمدن آنان انجام شود (همان).

علاوه بر این، باتوجه به گستره آیات اقتصادی قرآن و مطالب مرتبط با آن، اگر از روش «تفسیر آیات برگزیده در خصوص مسائل اقتصادی» بهره گرفته می‌شود، برای دانشجویان رشته‌های مختلف و نیز سایر محققان کارآیی بیشتری داشت. درکنار این امر، معرفی نکردن و بیان نکردن هدف کتاب در پشت جلد را می‌توان از کاستی‌های آن برشمرد.

### ۱.۲.۵ مالکیت خصوصی در قرآن

باین که نویسنده در خصوص انواع مالکیت از دیدگاه قرآن تقسیم‌بندی مقبولی را ارائه کرده است، مطالب وی در خصوص مالکیت فردی دارای نقاط ضعف محتوایی است. برای شرح مالکیت خصوصی، در سه جای مختلف، سه عنوان به ظاهر هم‌معنی را به جای هم به کار برده است؛ مالکیت خصوصی، مالکیت فردی، و مالکیت شخصی (ص ۹۵).

درابتدا، باید تعریفی از مالکیت خصوصی و گستره مفهومی آن در علم حقوق و نیز دیدگاه قرآنی بیان شود تا مخاطب با ارتباط دادن این بخش از مطالب با نظام‌های اقتصادی رایج در جهان و مسائلی همانند اقتصاد دولتی و نیز بخش خصوصی بیش‌تر ارتباط برقرار کند. مالکیت خصوصی عبارت است از این که مال مرتبط با شخص یا اشخاص معینی باشد. بنابراین، مالکیت خصوصی خود چند نوع است:

الف) مالکیت فردی: یک نفر مالک چیزی باشد و در آن شریکی نداشته باشد؛

ب) مالکیت گروهی: منظور از مالکیت گروهی این است که مال یا اموال خاصی به‌طور مشترک به افراد و جمع معینی مربوط شود؛ مثل این که گروه خاصی با هم اقدام به یک فعالیت صنعتی و کشاورزی می‌کنند و نتیجه و محصول آن نیز به مالکیت مشترک و گروه درمی‌آید و از آن‌جاکه این گروه افراد معینی‌اند، این نوع نیز شکلی از مالکیت خصوصی به‌شمار می‌آید. درمقابل مالکیت دولتی که بسته به شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور گستردگی متفاوتی می‌تواند داشته باشد.

در این میان، بحث‌های مرتبط با نقش خصوصی‌سازی و تحمیل نکردن تمام امور اقتصادی به نظام دولتی می‌تواند براساس آیات و روایات بررسی شود. ازسویی، نقش نظارتی دولت بیش از نقش مالکیتی آن اثرگذار خواهد بود. چنان‌که آمده است:

ما افاء الله على رسوله من اهل القرى فلله وللرسول ولذی القربى والیتامی والمساکین و ابن السبیل کیلا یكون دولة بین الاغنیاء منکم و ما اتکم الرسول فخذوه و ما نهکم عنه فانتهوا و اتقوا الله ان الله شدید العقاب (حشر: ۷).

درکنار این امر که مؤید مالکیت دولتی است (ص ۱۰۷)، می‌تواند ناظر بر امر بودجه‌بندی و نظارتی دولت نیز باشد. از آن‌جاکه برنامه‌های اقتصادی دین اسلام در پی تعدیل نابرابری‌های ثروت در بین افراد جامعه است، تلاش یک نظام یا سیستم اقتصادی منطبق بر شریعت نیز باید بر این محور باشد:

چیزی که هست از آن‌جاکه امر فیء ارجاع به رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) شده، او می‌توانسته به هر نحو که صلاح بداند به مصرف برساند و آن روز و در شرایط آن روز، مصلحت دیده آن‌طور تقسیم کند (طباطبایی ۱۳۶۳: ج ۱۹، ۲۰۳).

هم‌چنین باوجود ارتباط بین آیه «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» با نقش دولت در چرخه اقتصادی و مبارزه با رکود پول‌های حقیقی (طلا و نقره) بهتر است که در صورت استناد به چنین امری در جامعه امروزی مطرح شود که این رویه مصداق کم‌تری از سفته‌بازی و گرایش به ارزش‌های خارجی دارد. امری که مخرب‌تر از رکود پول‌های حقیقی است. در این میان، نقش دولت در اصلاح مشکلات مرتبط با این مسئله بهتر قابل‌پی‌گیری است.

### ۳.۵ یک آیه موضوع چند مفهوم مختلف

هرچند هریک از آیات کلام وحی می‌تواند مفاهیم متعددی را در بر داشته باشد و هیچ‌گاه نمی‌توان مفاهیم آیات را در یک عنوان محصور کرد، به‌نظر می‌رسد برای ذهن مخاطبی که به مطالعه تفسیر موضوعی قرآن کریم پرداخته است، استفاده از هر آیه در یک عنوان کلی و مأنوس مناسب‌تر باشد. بری مثال، آیه «احل الله البیع و حرم الربوا» بیش از هر مطلب اقتصادی دیگر به تبیین تجارت حلال و پرهیز از تجارت غیرشرعی اشاره دارد. بااین‌حال، نویسنده در بیان مالکیت فردی بدون مقدمه مطلب را چنین شروع می‌کند:

قرآن کریم در مواردی با معتبرشمردن لوازم مالکیت شخصی، این نوع مالکیت را تأیید کرده است. مثلاً یکی از لوازم مالکیت درستی خرید و فروش است: «أحل الله البيع» (ص ۹۵). از سویی، ارتباط بین آیه «یا ابت استأجرة ان خیر من استأجرت القوی الامین» با بحث مالکیت خصوصی تاحدی دور از ذهن است؛ به ویژه اگر این مسئله از سوی فردی مورد توجه قرار گیرد که برای دیگران اجیر می شود تا مدتی بخشی از امور وی را به انجام برساند (با این دیدگاه، فردی که برای دیگری اجیر می شود، خود را مملوک او می داند). «بنابراین از این آیه می توان اصل مقبولیت رابطه حقوقی اجیرشدن انسان نزد دیگری را برداشت کرد» (ص ۹۶)، مگر این که گفته شود فرد در صورتی می تواند برای خود کسی را اجیر کند که بتواند مالکیت منافع این رابطه حقوقی را داشته باشد.

### ۱.۳.۵ تفسیر مغایر با تفسیر ترتیبی

آنچه در تفسیر موضوعی نباید از ذهن دور داشت این است که تفاسیر ترتیبی برای آیه مورد نظر کدام مفاهیم را در اولویت قرار داده اند. ارتباط بین عبارات آیه و موضوع مورد نظر ذهن پرسش گر نباید با مفهوم کلی آیه متفاوت باشد؛ برای نمونه، آیه «أولم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم کانوا أشد منهم قوّة و آثاروا الأرض و عمروها أكثر ممّا عمروها وجاءتّهم رسلهم بالبینات فما کان الله لیظلمهم و لکن کانوا أنفُسهم یظلمون» (روم: ۹).

مفهوم اصلی این آیه بیان این نکته است که بسیاری از مردم به معاد کافرند و چون با کفر به معاد دین حق لغو می شود، دنباله آن سرگذشت امت های کافر گذشته را خاطر نشان ساخته که از شنیدن آن عبرت بگیرند و از کفر دست بردارند (طباطبایی ۱۳۶۳: ج ۱۶، ۲۴۰). تکیه بر موضوع عمران و کشاورزی و امثال آن با سیاق آیه چندان متناسب نیست و هدف اصلی آن را، که همان دل بستگی نداشتن به منافع مادی است، و نیز لحن آیه را که با نوعی توبیخ همراه است، به فراموشی می سپارد: «قرآن در این آیه اقتدار اقتصادی را درسایه آبادانی و رشد اقتصادی می داند. بنابراین، منافع جامعه اسلامی و افزایش اقتدار و نیروی آن، با آبادانی بیش تر و تولید و رشد اقتصادی، آن هم در بلندمدت، تضمین می شود» (ص ۱۳۵).

نکته مهم در خصوص این استناد نادرست بهره گیری از آن در فصل نظام اقتصادی و زیر عنوان بحث تولید است که با وجود ذکر تفسیر آیه از مجمع البیان، رابطه ضعیف بین مفهوم تولید و این آیه را دوباره پیش می کشد: «این سخن به التلازم، تأیید تولید و

سرمایه‌گذاری از یک سو و افزایش سطح سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در سایه عوامل تولید بیش‌تر (به‌خصوص سرمایه، نیروی انسانی، و رشد مطلوب جمعیت) می‌باشد» (ص ۱۶۶).

در حالی که دلالت ذکر شده در مورد آیه از سوی مفسر مورد استناد نویسنده مغایر با این برداشت است که زحیلی می‌نویسد که این آیه بر مواردی چند دلالت دارد و از جمله آن‌هاست:

الف) تشویق به تفکر در هستی؛

ب) خطاب‌بودن اعتماد به نیروی جسم و فراوانی اموال و اولاد؛ چراکه در قیامت به‌کار نمی‌آید (زهیلی ۱۴۱۸: ج ۲۱، ۵۷).

در مقابل، در برخی موارد نویسنده بعد از بیان مفاهیم آیه، در بهره‌گیری از کاربردهای آیه بر اساس قاعده جری و انطباق تردید دارد و بحث را نیمه‌تمام می‌گذارد. توجه به اطلاق و تقیید آیه راه را برای درک بهتر مفهوم آن هموارتر می‌کند. در بحث اقتدار اقتصادی، نویسنده به آیه «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (بقره: ۱۲۰)، استناد کرده است: «یهود و نصاری، تبعیت از پیامبر (ص) را مشروط به قبول پیش‌نهاد صلح و سازش از سوی آنان کردند که خداوند پیامبرش را از موافقت با آنان مأیوس کرد» (طبرسی ۱۳۵۰: ج ۱، ۳۷۴).

از لحن آیه، می‌توان هر نوع هم‌سوئی با بیگانگان را در قبال تمایل فکری، اقتصادی، و سیاسی استنباط کرد و لزومی ندارد که فقط یهود و نصاری مراد آن باشد و ممکن است که این آسیب در شکل یک مکتب یا نظام اقتصادی و سیاسی دیگری متوجه جامعه مسلمان باشد. بنابراین، محدود کردن خطرها به آیین یهود و نصاری نمی‌تواند منطبق بر هدف اصلی آیه باشد:

این آیه جامعه و دولت اسلامی را از هر نوع پیروی از آیین تحریف‌شده یهود و نصاری منع کرده؛ آن‌گونه که هر رویکرد فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی که هم‌راه با تسلیم‌شدن در برابر آنان باشد، نصرت و یاری خداوند را به دنبال نخواهد داشت (خادم علیزاده ۱۳۹۲: ۱۳۱).

در موارد دیگری، نویسنده با وجود آگاهی از معدود بودن آیاتی که بر تولید دلالت دارند، به دلالت التزامی روی می‌آورد و آیاتی را با این رویکرد بررسی می‌کند.

الف) «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه: ۱۰۹)؛  
ب) «وَمَنْ يَفْقَهُتْ مِنْكُنَّ لِلّٰهِ وَرَسُولِهِ وَاَعْمَلُ صَالِحًا نُؤْتِهَا اَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَاَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا» (احزاب: ۳۱).

باینکه وجه این گونه دلالت را بیان نمی‌کند و مخاطب را از دلیل استناد ممکن آگاه نمی‌سازد، گفته شده است که معانی التزامی محصور و محدود نیست و به همین دلیل، نمی‌توان معیار خاصی در کمیت آن ارائه کرد. باین حال، کلام بر هر معنایی که، به دلالت عرف یا عقل و شرع، لازم آن به‌شمار آید، دلالت خواهد داشت که در آیات مورد اشاره چندان واضح نیست. برخی از علما تصریح کرده‌اند که اگر بعضی معانی از دیگر لوازم مشهورتر بود، بر همان مدلول حمل می‌شود؛ مثلاً واژه شیر دارای معانی التزامی متعددی است، ولی از همه مشهورتر معنای شجاعت است. بنابراین، با وجود آن، لوازم غیر مشهور از آن استفاده نمی‌شود (طوسی ۱۳۵۵: ۸).

## ۶. ساختار و فصل‌بندی کتاب

باتوجه به گستردگی مطالب در خصوص آیات اقتصادی کلام وحی، حجم بالای کتاب درسی، فرصت سؤال و جواب و نقد و بررسی شبهه‌ها را از مخاطب می‌گیرد و متن گزارش گونه آن ارتباط با دانشجو را محدود می‌کند. درحالی که، همان‌طور که بیان شد، هدف از تفسیر موضوعی در کنار به‌دست آوردن نظر قرآن در خصوص یک موضوع پاسخ‌گویی به پرسش‌های جدید و رفع ابهامات و به‌دست آوردن اسرار و پیام‌های تازه آیات و عبارات قرآنی است. با وجود موفقیت‌های نسبی اقتصاد سرمایه‌داری، ذهن مخاطب دنبال ظرفیت‌های گزاره‌های اقتصادی قرآن در جهت پیاده‌سازی الگویی موفق‌تر است.

مؤلف در خصوص محورهای مورد بحث این اثر بر این نظر است که رویکرد تفسیری متفاوت با مباحث تخصصی فقهی در زمینه مسائل اقتصادی است (ص ۲۵). باین حال، بحث از فعالیت‌های بازرگانی و تجاری مباح در مقابل فعالیت‌های مخرب اقتصادی، با استناد به آیات و روایات و مباحث اولیه فقه، مغایرتی با هدف مؤلف ندارد.

هم‌چنین می‌نویسد که از میان مسائل گسترده اقتصادی در قرآن فقط مسائلی ذکر شده است که بستر آشکار تفسیری و مستند قرآنی داشته است (ص ۲۶). باین همه، آیات بسیاری با مضامین مهم اقتصادی و با دلالت‌های آشکار در تفاسیر ترتیبی ذکر نشده است.

برای مثال، آیه «قال تزرعون سبع سنین دأ با فما حصدتم فذروه فی سنبلة الا قليلا مما تأكلون» (یوسف: ۴۷).

هفت‌سال پی‌درپی باید با جدیت زراعت کنید، زیرا در این هفت‌سال بارندگی فراوان است، ولی آنچه درو می‌کنید، به‌صورت همان خوشه در انبارها ذخیره کنید، جز به‌مقدار کم و جیره‌بندی‌ای که برای خوردن نیاز دارید، اما بدانید که بعد از این هفت‌سال، هفت‌سال خشک و کم‌باران و سخت در پیش دارید که تنها باید از آنچه از سال‌های قبل ذخیره کرده‌اید استفاده کنید و گرنه هلاک خواهید شد. ولی مراقب باشید در آن هفت‌سال خشک و قحطی نباید تمام موجودی انبارها را صرف تغذیه کنید، بلکه باید مقدار کمی برای زراعت سال بعد که سال خوبی خواهد بود نگه‌داری کنید. اگر با برنامه و نقشه حساب‌شده این هفت‌سال خشک و سخت را پشت‌سر بگذارید، دیگر خطری شما را تهدید نمی‌کند، زیرا بعد از آن سالی فرامی‌رسد پرباران که مردم از این موهبت آسمانی بهره‌مند می‌شوند (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۹، ۴۲۷).

بنابراین، لزوم برنامه‌ریزی دقیق در مصرف و به‌کارگیری تمام امکانات از سوی مدیران و هم‌سویی مردم با این امر از مهم‌ترین برنامه‌های استقلال اقتصادی است.

درکنار این مسئله مهم، حوزه اقتصاد فردی و اقتصاد کلان در فصل‌بندی مطالب و ارتباط بین آن دو مورد غفلت واقع شده است. از مهم‌ترین مسائل اقتصاد امروز درخصوص مسائل مالی، بانک و رباست که در این کتاب، به‌صورت موردی به مسئله ربا در صفحات پایانی پرداخته شده است. مسائل مهم و آسیب‌های اقتصادی نیز، که امروز ذهن مخاطب را به‌چالش می‌کشد، در قرآن به‌صراحت نکوهیده شمرده شده است که باید درضمن یادآوری آن‌ها به اصلاح آن‌ها از طریق تبیین راه‌کارهای قرآنی پرداخت.

بحث مهمی هم‌چون مسائل بانک‌داری بدون ربا، انواع تسهیلات، نرخ بهره، جریمه دیرکرد، شبهات ربا و نیز مسائل مستحدثه دیگر هم‌چون بیمه در سرفصل‌های جداگانه و حتی به‌صورت موردی در لابه‌لای بحث‌های دیگر آورده نشده است. به‌موضوع خمس درحد چند سطر و حتی کم‌تر از مسئله قربانی اشاره شده است.

از برخی از آیات که در فعالیت‌های اقتصادی، ازجمله مسائل مالی اسلامی، از جایگاه مهمی برخوردارند، در این کتاب غفلت شده است. بزرگ‌ترین آیه قرآن کریم درکنار این که به رابطه حقوقی بین داین و مدیون و لزوم کتابت و حفظ اسناد تجاری اشاره دارد، به امر حساب‌داری و شفافیت مالی نیز اشاره دارد. احکام دقیقی که در این آیه درمورد تنظیم سند

برای معاملات ذکر شده است، آن هم با ذکر جزئیات در تمام مراحل، در طولانی‌ترین آیه قرآن بیان‌گر توجه عمیقی است که قرآن در قبال امور اقتصادی مسلمین و نظم کار آن‌ها دارد، مخصوصاً با توجه به این که این کتاب آسمانی در جامعه عقب‌مانده‌ای نازل گشت که حتی سواد خواندن و نوشتن در آن بسیار کم بود و حتی آورنده این قرآن درسی نخوانده بود و به مکتب نرفته بود و این خود دلیلی است بر عظمت قرآن و اهمیت نظام اقتصادی مسلمین (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۲، ۳۸۱).

## ۷. نتیجه‌گیری

هدف مفسر در تفسیر موضوعی دست‌یابی به نظر نهایی و جامع قرآن درباره موضوعی خاص و رفع ابهام و پاسخ‌گویی به شبهات و پرسش‌های مطرح است. با وجود تلاش مؤلف در ذکر عناوین مرتبط، پرسش‌های مطرح در حوزه موضوعات اقتصادی از قبیل تولید یا توزیع به حوزه‌های فقهی و تخصصی ارجاع شده است. در حالی که جا داشت مؤلف مطابق با مسائل روز به مسائل اقتصادی قرآن می‌پرداخت. در مرحله بعد، بهره‌گیری از نظرهای قرآن در خصوص مسائل مهم است، زیرا گزاره‌های مستقل تا زمانی که به یک الگوی کاربردی منتهی نشوند، در حد توصیه‌های اخلاقی خواهند ماند.

از برخی از آیات که در فعالیت‌های اقتصادی، از جمله مسائل مالی اسلامی، از جایگاه مهمی برخوردارند، در این کتاب غفلت شده است. از مهم‌ترین مسائل اقتصاد امروز در خصوص مسائل مالی، بانک و رباست که در این کتاب، به صورت موردی به آن پرداخته شده است. علاوه بر این در برخی موارد نیز تفسیر موضوعی مطرح شده مغایر با تفسیر ترتیبی است که در کتب مهم تفسیری بیان شده است.

## کتاب‌نامه

- «مرجع اقتصاد اسلامی در اندیشه شهید محمدباقر صدر» (۱۳۸۶)، پگاه حوزه، ش ۲۰۵.
- آقائظری، حسن (۱۳۹۴)، روش‌شناسی نظریات علمی اقتصاد اسلامی، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، دوره ۱، ش ۵.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، «اصول اقتصاد اسلامی و راه‌کارهای آن از منظر فقه»، پژوهش‌های فقهی، س ۶، ش ۱.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۱)، زن در آیین جلال و جمال، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

۶۸ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال هجدهم، شماره نهم، آذر ۱۳۹۷

- خادم علیزاده، امیر (۱۳۹۲)، تفسیر موضوعی قرآن با رویکرد اقتصادی، تهران: معارف.
- خامه‌گر، محمد (۱۳۸۹)، «شبهه معنایی موضوعات قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۶۲.
- زهیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ ق)، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت: دار الفکر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: اسماعیلیان.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۰)، مجمع‌البیان، تهران: فراهانی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۵۵)، اساس الاقتباس، به تصحیح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۳ الف)، «نظریه رفتار تولیدکننده و تقاضای کار در اقتصاد اسلامی»، اقتصاد اسلامی، ش ۱۳.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۳ ب)، «روش کشف ماهیت اقتصاد اسلامی»، قبسات، س ۹.

